

خیلواکی



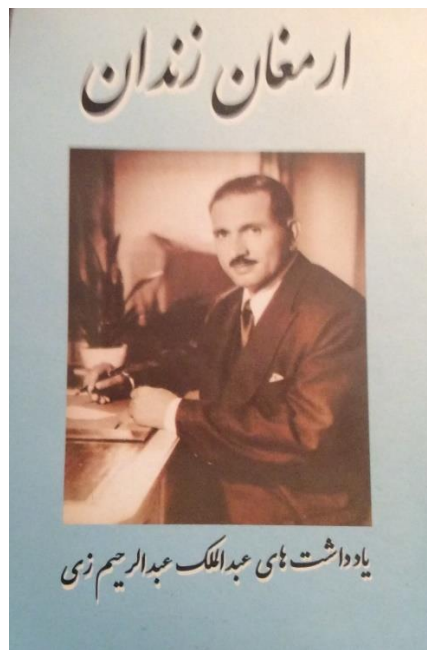
استقلال

[www.esteqtaal.net](http://www.esteqtaal.net)

پنجشنبه ۰۹ فبروری ۲۰۲۳

به اهتمام بهاول ملک عبدالرحیم زی

## از یادداشت های عبدالملک عبدالرحیم زی



افتخار داریم که جهت افشای حوادث و وقایع مبرهن تاریخ و روشنی اذهان هموطنان که نسل های موجوده و آینده باشند، خاطرات مرحوم عبدالملک عبدالرحیم زی وزیر مالیة مبتکر، فعال، سختکوش و خدمتگار حقیقی ملت افغانستان را که علی الرغم نوآوری های عام المنفعه در ساحات صنایع، مالیات، بودجه، زراعت، بانک داری و اقتصاد، با افتراپی که هرگز به اثبات نرسید، مدت ۲۲ سال را بی سرنوشت در زندان های مخوف و سیاه چال های تاریک بدون محکمة عدلی سپری نمود، به مطالعه خوانندگان و هموطنان معزز می گزاریم.

از محترم آقای بهاول ملک مقیم جرمنی که با ارسال کتاب آموزنده و مستند «ارمغان زندان» اثر مرحوم عبدالملک عبدالرحیم زی پدر بزرگوار شان، لطف بزرگی جهت پیشکش معلومات جامع و غیر قابل انکار دهه های متوالی قرن ۲۰ میلادی افغانستان عزیز نموده اند، نهایت سپاس گزار هستیم. روح و روان آن خدمتگار افغانستان عزیز شاد و یادشان همیشه گرمی باد.

### قسمت چهارم

... در این وقت سردار محمد داود خان صدر اعظم و معاونش محمد نعیم خان سکوت را شکستانده، پیش از آنکه پلان را برای قرائت بگذارند، از من پرسید، که پلان چه؟ من به جواب شان گفتم: پلان انکشاف اقتصادی، اجتماعی و عرفانی را در مدت کمتر از یکنیم سال به کمک این عده متخصصین و اهل خبره تنظیم و تدوین کردیم و بعد تدقیق و غور کمیسیون اقتصادی و تائید آنها اینک جهت طی مراحل قانونی برای تدقیق و تصویب مجلس هیئت وزرا در این مجلس قرائت میشود، تا بعد از تحقیق و تصویب کابینه به پارلمان کشور تقدیم گردد!

این دو برادر (داود و نعیم) همه آن توضیحات را نادیده و ناشنیده قرار داده، با صدای بلند تر گفتند: کدام پلان و برای کدام غرض؟

همین وقت بود که من نرمش را از دست داده، به شدت میز مجلس را با دست کوبیده فریاد بر آوردم: فقر و بی روزگاری مردم، پسمانی و احتیاج کشور ما به وضعی درآمده که اکنون موجب طعن و لعن هر از خود و بیگانه گردیده ایم. دست تکدی ما در آن چیز هائیکه در اثر سعی و صرف سرمایه در خود کشور به وفور تولید شده میتواند، به هر جا دراز است. بر ماست که اینهمه بدبختی ها و پسمانی ها را پایان دهیم و باز اگر اصلاً اینکار ها را انجام داده نمیتوانیم، پس چرا این پست های مهم را ترک ندهیم؟

من برای رفع این مسؤلیت های کابینه و حکومت از یکنیم سال پیش در پی طرح یک پلان انکشافی شدم. شما در آنوقت انجام اینکار را از عدم ممکنات میدانستید و به من دستور دادید که از این کار صرف نظر کنم! اما من از یکسو بشما اطمینان دادم که انشاءالله تعالی اینکار بسر میرسد و من نمیتوانم از اجرای آن صرف نظر کنم! باز بخاطر داریم که بیش از بیست و چهار سال بودجه دولت به کسر مزمن و فاحشی مواجه بود. هیچ یک از حکومت های پیش از کابینه ما به رفع این عدم توازن

بودجوی نپرداخت. فلهاذا کشور از این نگاه در هر ساحه به شرایط بدتر از قرون وسطی قرار گرفت. چنانچه پس از آنکه پارلمان کشور به دور کابینه سردار شاه محمود خان آزادی نسبی را مالک شد. وکلای دوره هفت و همچنان دوره هشتم مرجع قانون ساز، روی قطعنامه رسمی خویش مسئله عدم توازن بودجه، فقدان حساب قطعیه توأم با بودجه، نبودن قانون تشکیلات اساسی و قانون محاسبه عمومی را مورد اعتراض شدید قرار داد و پیوسته در قرار های همه ساله خود بر حکومت فشار وارد میساخت. بدینوسیله اجرا و تکمیل مسایل فوق را میطلبد. اما متقابلاً حکومت از این دستور معقول و قانونی و طبیعی پارلمان سر باز زده، خود را مجبور به تطبیق آن نمیدید.

وقتیکه نوبت به کابینه ما رسید، ما نیز طوریکه مکتوب ۲۸۷۸/۳۴۰۱ مورخه ۲۸ حوت ۱۳۳۲ دارالانشای مجلس عالی وزرا، معنونه شورای ملی واضح است، بر غور عین اعتراضیه و قطعنامه پارلمان که درین وقت توأم با رد و عدم تصویب بودجه آن سال به کابینه جدید التتشکیل ما راجع شده بود، مجلسی کردیم. چنانچه درین مجلس هم وزرای سابقه دار بار دیگر طبق معمول گذشته علیه این قطعنامه قانونی پارلمان احتجاج نموده، صدا های اعتراضیه بالا کردند، و می خواستند از اجرای آن انکار کنند. زیرا ایشان اینکار را بطور مطلق غیر ممکن گفته، قطعنامه پارلمان را، خواسته دور از حق و واقعیت میدانستند. حالانکه اینکار در کافه کشور های پارلمانی، قانوناً مورد تطبیق قرار دارد. این وجبیه است که مواد "۹۹ / ۱۰۰ / ۱۰۱" قانون اساسی سال ۱۳۱۰ کشور خود ما آنرا وظیفه بدون چون و چرا قانونی حکومت دانسته است. اگر احیاناً اینکار واقعاً ناممکن میبود، باز هم عوض تخلف از احکام صریح قانون اساسی بهتر بود، در طول این مدت بیش از ۲۴ سال که از عمر تطبیق این قانون بس مهم میگذرد؛ همان مواد قانون مزبور، تعدیل و یا فسخ قرار داده میشود.

من میگویم در حالیکه فشار تطبیق این مواد سر تاسر متوجه وزارت مالیه بود. باز هم یگانه کسی که در کابینه به این دستور های پارلمان مذعن گردید، من بودم. زیرا من نمیخواستم که از چنین یک احکام صریح قانون اساسی و باز قطعنامه پارلمان کشور که به استناد همان مواد قانون تصویب کرده بود، سرکشی کنم. بنابراین به همه مخالفت های که کافه اعضای کابینه در برابر قطعنامه مزبور میکردند، قیام نموده، به تهدید استعفا و ترک همکاری با کابینه دیگران را مجبور به قبول جواب مثبت پارلمان و تصویب آنچه پارلمان مزبور میخواست مجبور ساختم. چنانچه قطعنامه مزبور در برج حوت سال ۱۳۳۲ مورد تصویب مجلس عالی وزرا قرار گرفت. گویا اجرای اینکار بعد توشیح شاه یکبار دگر جنبه قانونی را حاصل کرد. فلهاذا من در پی انجام این تعهد شده به جدیت تمام اجرای

چنین کاری را که در کابینه های اسبق مشکلتر از برداشتن کوه آسمایی معرفی شده بود، در مدت کمتر از شش ماه انجام دادم. بدین معنی که بودجه بکلی صبغه علمی را در بر گرفت. عدم توازن مرئی و غیر مرئی بودجه را با بلند بردن آن به بیش از یکهزار و یکصد میلیون افغانی از حالت رقت بار پنجصد میلیون افغانی اسبق از بین برداشتم. حساب قطعی تطبیقات بودجه سال پار را توأم با بودجه همان سال ۱۳۳۳ بشکل قانونی و با صبغه علمی تقدیم کردم. **قانون تشکیلات اساسی** هم با کادر محتویه آن طبق ملزومات اداری کشور سر از نو تدوین و توأم با بودجه پیشکش شد. همچنان **قانون محاسبات عمومی و تشکیلات و وظایف دیوان محاسبات** نو بنیاد را تکمیل و غرض تصدیق پارلمان به مرجع اش تفویض گردید. گویا همه آن ناممکنات را به یاری خدای متعال وجه و صبغه امکان داده شد. با افزونی دو صد میلیون افغانی دیگر در سال مالی ۱۳۳۴ ارقام بودجه دولت را به بیش از یکهزار و سه صد میلیون افغانی بالغ ساختم و از این طریق این کشور باستانی از آن جمود و خمود که در مدت بیش از ۲۴ سال دور زمامداری خانواده شما مواجه بود، بدر آورده شده به مرحله انکشافات رسانیده شد.

معدالک چون همه اینکار ها و تغییرات روی ضرورت اصلی انکشافی کشور که قرنها از قافله عصر عقب مانده است، یک وجه و صبغه مؤقتی داشت. بنابراین بایست به آن قدم ها قانع نشده، روی ایجاب ضرورت های عصر قدم های فراتر را بر میداشتیم. این بود که پلان یکساله را ( در حقیقت بودجه پلان نیست که یک سال آینده را پیش بینی میکند) به پلان پنجساله ارتقا دادم. جنبه انکشافات اقتصادی روی همین اهداف دقیقاً تنظیم و تدوین شد، به شما قرائت میکنم. این را نیز باید واضح کرد که پلان اقتصادی ما، در پول افغانی صد در صد و در اسعار خارجی بیش از شصت و شش در صد متکی به منابع و دارایی خود کشور بوده، چنانکه از قرض داخلی و نشر نوت در تمویل آن احتراز شده است. از نگاه مخارج اسعار خارجی هم کمتر به منابع بیرونی اتکا دارد. بنا برین تطبیق آن حکومت را به درد سر و مخصصه مواجه نساخته، بلکه از چنان پرابلم ها و مخصصه هائیکه سالهای سال گرفتار آن بود، بدر کرده و میرهاند. درین پلان موازی سکتور عامه، به سکتور خصوصی هم امکانات سرمایه گذاری ها داده شده است!

باری بعد توضیحات فوق که بیشتر آن با صدای بلند ادا میشد، در دو برادر سکوتی برپا شد. من از همین فرصت کوتاه استفاده کرده، به شاغلی عبدالله خان یفتلی باز دستور دادم که پلان را بخواند. وی به خواندن آن آغاز نموده تا وقت طعام نهار که اکثراً به ساعت یکنیم بجه روز صورت میگرفت، مقدمه و مؤجبه پلان با قسمتی از متن اصلی آن قرائت شد. من در قسمت های لازم شفاهاً روشنی می

انداختم و توضیحات میدادم. گویا بدین شکل پلان اول مورد مذاکره کابینه قرار گرفته، بعد از آن کسی برین کارم معترض نگردید!

وقتیکه جهت صرف طعام جلسه را موقتاً ترک گفتیم، روی میز نان نیز همه یکجا بودیم. اما بعد نان پیش از آنکه به سالون جلسه برگردیم. دو برادر (داود و نعیم) با هم نجوا نموده، سخنان مخفی رد و بدل کردند. بعداً داود خان بمن نزدیک گردیده، اظهار کرد: « شما خود در محتوی پلان بدرجه کافی وارد هستید. چنانچه تا بحال بوقت قرائت پلان همه توضیحات مربوط موضوعات طرف مذاکره را شخصاً جواب میدادید. چه میشود که این عده همکارانت در یکی از اطاق های بیرون از جلسه قرار داشته باشند، و عندالضرورت یکایک به مجلس فرا خوانده شوند.»

مقصدم از اشتراک این عده همکارانم در مجلس وزرا، اولاً قدردانی از مساعی ایشان در تنظیم و تدوین پلان بود. ثانیاً ایشان به رأی العین ملاحظه کنند که من برای انکشاف کشور به چگونه موانع و مخالفت ها مواجه میباشم! و باز بکدام حد و درجه درین مبارزه خطر بار ثبات و از خودگذری دارم. چون در اشتراک چند ساعته این منورین هر دو مقصدم برآورده شده بود، بنابراین به همه آنها گفتم که در یکی از اطاق های مجاور منتظر هدایت من باشید.

بعد بازگشت به مجلس بار دیگر به قرائت و مذاکره پلان پرداخته و بدین وجه تا شام آنروز چند فصل مهم پلان قرائت و تصویب گردید. بقیه با جلسه های پیهم که سر از فردا جهت اینکار تشکیل میگردید، موقوف قرار داده شد.

شامگاهی بعد ختم مجلس من به سوی اطاقیکه متخصصین مزبور در آن قرار داشتند رفته، اوشانرا مرخص نموده با آنها خدا حافظی کردم. درین وقت عده ازین منورین و خدمتگاران صدیق کشور بمن نزدیک گردیده، با گرفتن دستهای من و یا پیش کردن دستهای خود بسوی چنه من با انتهای صمیمیت و خلوصیت و در عین حال عجز و انکسار برایم چنین گفتند:

( مبارزه امروزی شما را به چشم سر دیدیم. در حالیکه صدراعظم و برادرش پیوسته میکوشیدند تا مانع قرائت و تصویب پلان اقتصادی گردند، شما علیرغم خواسته و اراده ایشان به شدیدترین لهجه بر ایشان نهیب کشیده، استدالات خود را برین اربابان قدرت به کرسی می نشانید. چنانچه ازین طریق اوشانرا مجبور به قرائت پلان نمودید. این مبارزه قهرمانانه شما موجب نابودی شما میگردد، حالانکه وجود شما برای این کشور بیچاره و خاصتاً برای حمایه ما که طبقه جوان و تربیه دیده این کشوریم یک غنیمت و نعمت است. همین اکنون ما زیر حمایت شما قرار داریم و شما بودید که ما را به مقامات بلندتر قرار دادید و به موقعیت علمی ما ارزش بسزائی میدهد. نه تنها از ما در کارهای

عمده کشور مشورت میگیرید، بلکه همه ما را در ساحة تخصص ما به بهترین وجه بکار می گمارید ، چنانچه از جمله ترتیب و احضار پلان اول اقتصادی بود. ما از این تصمیم واقفیم که فرمانی علیه انتصاب ما به مقامات بالاتر از رتبه های ما به نام شما صادر شده و به شما دستور داده اند تا ما را از مقاماتی که توسط شما در آن قرار داده شده ایم، معزول ساخته از رتبه های ما بالاتر باید استخدام نگردیم. ولی شما با شهامت تمام به حمایت ما پرداخته محتوی فرمان را رد کردید و ما را همچنان در همان پست های باقی گذاشتید. ما در این وقت یگانه سرپرست و حامی خود، شما را می دانیم، از این رو از شما خواهش می کنیم خود را در چنین مبارزه خطر بار قرار ندهید. زیرا ما مبارزه امروزه شما را يك سربازی مطلق درك کردیم).

من به جواب این فرزندان نخبه کشور اظهار کردم که شما با زیرکی دانش خود خوبتر درك کرده می توانید که کشور ما اکنون به وضعی قرار دارد که یا سوی انکشاف اقتصادی و اجتماعی پیش می رود، و یا عکس حال. این وضع کساد حتی بحران اقتصادی و استقلال سیاسی کشور ما را هم متزلزل ساخته به حالت بس خطرناک مواجه گردانیده است. پس برای نجات کشور يك فرد و یا افراد زیاد بایست قربان گردند، تا از این طریق جامعه را به طوری که از اسلاف خود گرفتیم با داشتن استقلال اقتصادی و سیاسی آن به اخلاف خود بسپاریم.

علیهذا اراده من در این راه قاطع و بدون تزلزل است، بدین معنی که یا کشور را از مخمصه موجوده و سقوط محتمل آینده نجات می دهم و یا خود قربان این مبارزه و جهاد بر حق می گردم و بس؟! باید گفت که هفت نفر آنها بعداً تا پست وزارت و حتی شاغلی عبدالله خان یفتلی تا پست معاونی صدراعظمی هم به ارتقاء رتبه و مقام نائل گردیدند؟! دیگران نیز در کشور وظایف عمده را در دست گرفته بودند.

حاصل مذاکره و قرائت پلان به طوری که از فرمان ۱۰۸ مورخه ۳۰ حمل ۱۳۳۵ صدارت عظمی که در ذیل عیناً نقل میشود، به چندین جلسه مجلس عالی و زرا صورت گرفته و در نهایت تصویب شد:

نقل فرمان:

ع.ج. عبدالملك خان كفيل وزارت اقتصاد ملی!

پیشنهاد آن وزارت در مورد ترتیب پلان اقتصادی مملکت به مجلس عالی وزراء قرائت و بر حسب ذیل تصویب شد:

نمره تصویب مجلس عالی وزراء (۶۴ مورخه ۲۰ حمل ۱۳۳۵)

"پلان اقتصادی مملکت که از طرف کمیسیون توحید و ترتیب پلان تحت مراقبت ع.ج. کفیل وزرات اقتصاد ملی ترتیب و تدوین گردیده است. به داخل (۳۷۴) صفحه در طی ده جلسه از مجلس وزرا گزارش یافت. از حیث اینکه ترتیب پلان در مملکت بی سابقه است. وزرات اقتصاد ملی و کمیسیون پلان در تدوین آن صرف مجاهدت و مساعی نموده و با وجود فقدان وسایل و عدم احصائیه های قریب به مدت کمی حاضر نموده اند مجلس وزراء این کوشش آنها را به نظر استحسان نگریسته، قابل تقدیر می داند و برای اجرای عملی شدن پلان مراتب آتی را تصویب می نماید:

- ۱- يك نسخه پلان به غرض ملاحظه و تصویب به شورای ملی ارسال گردد.
- ۲- برای اینکه وزارتخانه ها و دواير مربوطه از وظایف و تکلیف ها و اجراءات خود مطلع بوده پیش از پیش آمادۀ اقدامات و اجراءات باشند . يك نسخه از قسمت مربوط پلان به عنوان وزراء و رؤسای مربوطه رسماً ارسال گردد.
- ۳- چون وضع ترانسپورت مملکت اصلاحات و انکشاف عاجلی را ایجاب می نماید و به غرض عملی شدن این نظر منظور در پلان اقتصادی تأسیس يك مؤسسه پیش بینی شده است در بین تمام شقوق نقلیات و مؤسسات و اشخاص انفرادی که به امور ترانزیت و ترانسپورت زمینی و آبی و فضایی مصروف اند. مناسبات و هم آهنگی درستی را استوار بنماید. علیهذا مجلس عالی وزراء تأسیس عاجل این اداره را به عنوان (د ترانسپورتو ریاست) تصویب می نماید. وزارت اقتصاد ملی به سرعت ممکنه وظایف تشکیلات و بودجه آن را ترتیب و به مجلس عالی وزراء تقدیم نماید تا بعد منظوری در زیر فرمان پادشاهی مراتب تأسیس آن عملی گردد.
- ۴- دفتر پلان و پروژه های اقتصادی تحت اداره شاغلی معاون اول که به حیث وزیر پلاننگ ایفای وظیفه می نمایند مسئول مراقبت و اجرا و تعقیب امور پلان می باشد. وزرات خانه ها و دواير مربوطه و مؤسسات که در انکشاف اقتصادی مملکت سهم دارند، مکلف می باشند، احصائیه ها و معلومات و سروی، پروژه های مربوطه به پیشرفت پلان را با مشکلات عاید که احیاناً در تطبیق پلان به ظهور می رسد، مرتباً به دفتر مذکور بسپارند. و هر نوع تعدیلات و تغییراتی که در ظرف مدت پلان در مورد هر يك از پروژه های مربوط پلان که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به پلان تعلق می گیرد و از راه دفتر مذکور به مقامات صلاحیتدار تقدیم گردد.
- ۵- برای اینکه مراتب پلان با يك هم آهنگی کاملی به سرعت لازمه پیش رفته و موانع و مشکلات مرفوع گردد، شورای عالی برای امور پلان تشکیل گردد که رئیس شورای عالی پلان شاغلی

صدراعظم و اعضای آن شاغلو وزیر خارجه معاون صدرات عظمی، وزیر مالیه، وزیر اقتصاد، وزیر معادن و صنایع، وزیر زراعت و کفیل وزرات فواید عامه خواهد بود.

۶- در دفتر پلان کمیسونی برای تدقیق و مراقبت پلان تشکیل گردد که اعضای آن دائمی بوده و هر کدام آنها نظر به پیشنهاد وزیر پلان و منظوری شورای عالی انتخاب و تعیین شوند. علاوه بر آن متخصصین و صلاحیت داران فنی وزراتخانه ها دوایر و مؤسسات مکلف اند که بر حسب تقاضای دفتر پلان در جلسات کمیسون های دائمی شرکت ورزیده و نظریات خود را تقدیم نمایند. لوایح و مقررات تشکیلات فوق الذکر هر چه زودتر ترتیب و بعد منظوری شورای عالی پلان به معرض اجرا گذاشته شود.

مصوبه فوق از صحنه اعلیحضرت معظم گزارش یافته و تحت حکم ۲۳۵/۳۸۶ مورخه ۲۷ حمل ۱۳۳۵ به صدارت ابلاغ گردیده است.

مراتب به شما خبر داده شد که از فقره اولی الی شش را بر وفق تصویب مجلس عالی وزراء اجرا و تعمیل بنمایند. اوراق پلان که سر آخر آن به مهر دارالانشاء مجلس وزراء نشانی شده است با پنج ورق پلان که مهر شده است به ضمیمه فرستاده شد، فقره اول آن به غرض تصویب شورای ملی فرستاده شده است.

محمد داود

ادامه دارد...